

لیلی ایمن «آهی»

# دموکراتیزاسیون تعلیم و تربیت

تربیت معلم است . ما چگونه معامانی لازم داریم ؟ روش آموزشی ما هنوز تحکمی و یک بعدی است . اکثر کتابهای درسی ما بدون توجه به کیفیت سواد خانوادهها تهیه شده اند . معلم ما بدون توجه به تواناییها و کمبودهای مختلف تکالیف شب را تعیین می کند ( چه از لحاظ مقدار و چه از لحاظ نوع تمرین ) هنوز توجه به تفاوتهای فرقی در آموزش در نظام آموزشی و بدتر از همه در روشهای آموزشی ما افسانه زیبایی بیش نیست . سوال این است که بدون توجه به نیازها وامکانات یک یک دانش آموزان چگونه می توان بهره بری دموکراتیک از آموزش و پرورش را تضمین کرد ؟ این شناسایی باید به وسیله معلم انجام شود و اینجاست که می پرسیم آیا معلمان ما برای اجرای چنین وظیفه ای واقعاً تربیت می شوند ؟ آیا مربی تربیت معلم خود کارآموزان این حرفه را درست می شناسد و عملاً آموزش دموکراتیک را در مورد آنان اجرا می کند ؟

همه جا می نویسیم که جوانان ما باید از خردسالی اصول شرکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی را بیاموزند . برای همین منظور در کنفرانسها و سینهارها و قطعنامه های از پیش

کشور ما اکنون در راهی کاملاً جدید قدم گذاشته است . پس از سالها انتظار عاقبت می رویم تا آموزش و پرورش همگانی داشته باشیم . در سالهای آینده کودکان روستاهای دور و نزدیک سرزمین ما نیز در مسیر آموزش رسمی کشور قرار خواهند گرفت و از این حق مسلم خویش برخوردار خواهند شد . بالاتر از این در برخورداری از این حق همه اطفال بین ۵ تا ۱۴ سال قرار است برابر باشند . و این اولین قدم در راه تعلیم و تربیت دموکراتیک است . در اینجاست که چند سوال فوری به ذهن می آید . آیا برابر بودن از لحاظ راه یافتن به محیط مدرسه واقعاً برابری در آموزش و پرورش را تضمین میکند ؟ آیا طفلی که در یک کلاس سه نقری درس می خواند با طفلی که در کلاس فقط ۴ شاگرد هست در برخورداری از آموزش و پرورش برابر است ؟ آیا طفلی که غذای به اصطلاح بخور و نمیر می خورد با طفلی که تغذیه ای سالم دارد در بهره گیری از آموزش و پرورش برابر است ؟ این مطلب قابل تعمق است که آیا تغذیه همگانی در مدارس سیرها را سیرتر نمیکند ، بدون اینکه واقعاً به مقدار قابل ملاحظه ای از

تربیت معلم است . ما چگونه معامانی لازم داریم ؟ روش آموزشی ما هنوز تحکمی و یک بعدی است . اکثر کتابهای درسی ما بدون توجه به کیفیت سواد خانوادهها تهیه شده اند . معلم ما بدون توجه به تواناییها و کمبودهای مختلف تکالیف شب را تعیین می کند ( چه از لحاظ مقدار و چه از لحاظ نوع تمرین ) هنوز توجه به تفاوتهای فرقی در آموزش در نظام آموزشی و بدتر از همه در روشهای آموزشی ما افسانه زیبایی بیش نیست . سوال این است که بدون توجه به نیازها وامکانات یک یک دانش آموزان چگونه می توان بهره بری دموکراتیک از آموزش و پرورش را تضمین کرد ؟ این شناسایی باید به وسیله معلم انجام شود و اینجاست که می پرسیم آیا معلمان ما برای اجرای چنین وظیفه ای واقعاً تربیت می شوند ؟ آیا مربی تربیت معلم خود کارآموزان این حرفه را درست می شناسد و عملاً آموزش دموکراتیک را در مورد آنان اجرا می کند ؟ همه جا می نویسیم که جوانان ما باید از خردسالی اصول شرکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی را بیاموزند . برای همین منظور در کنفرانسها و سینهارها و قطعنامه های از پیش

قوی  
دوسی  
و این  
دنیا  
فلسفه  
جای  
؟  
شعر تا  
دیوان  
گفته و  
انها  
بود را  
نابینا  
بدر و  
معنا ،  
و در  
نموده  
این  
روح  
مرا  
را  
بیان  
(۲۵۳)  
لال  
احساس  
س (۹۸)  
صفحه ۵۷

تهیه شده آنها تشکیل انواع شوراهای و انجمنهای دانش آموزان توصیه می شود. ولی از چند مدرسه انگشت شمار که بگذریم اثری از حتی يك انجمن یا شورا در مدارس ما نیست. باز هم خوب است که فعالیتهایی نیمه اجباری (متأسفانه) چون پیشاهنگی و عضویت در جمعیت جوانان شیر و خورشید سرخ هست که تا حدی امکان فعالیت اجتماعی را، البته اگر درست کار کنند، به بچه ها می دهد. آیا اگر قرار است بچه های این آب و خاک با اصول دموکراسی آشنا شوند تنها راهش خواندن آنها در کتاب و رونویسی کردن از روی این اصول و حفظ کردن و نمره گرفتن در امتحان است؟ آیا خانه های انصافی را نمی شود در شورا های دایوری مدارس بنیانگذاری کرد؟ آیا بهتر نیست علاقه به شرکت فعال و مسئول در انتخابات را از کودکی عملاً به افراد آموخت؟ اگر نوجوانان بدانند که شرایط يك کاپیتان خوب تیم فوتبال چیست بهتر نیست خودشان این کاپیتان را انتخاب کنند؟ این با اصول دموکراسیون آموزش و پرورش موافق تر است یا معین کردن يك کاپیتان موفق به وسیله معلم ورزشی.

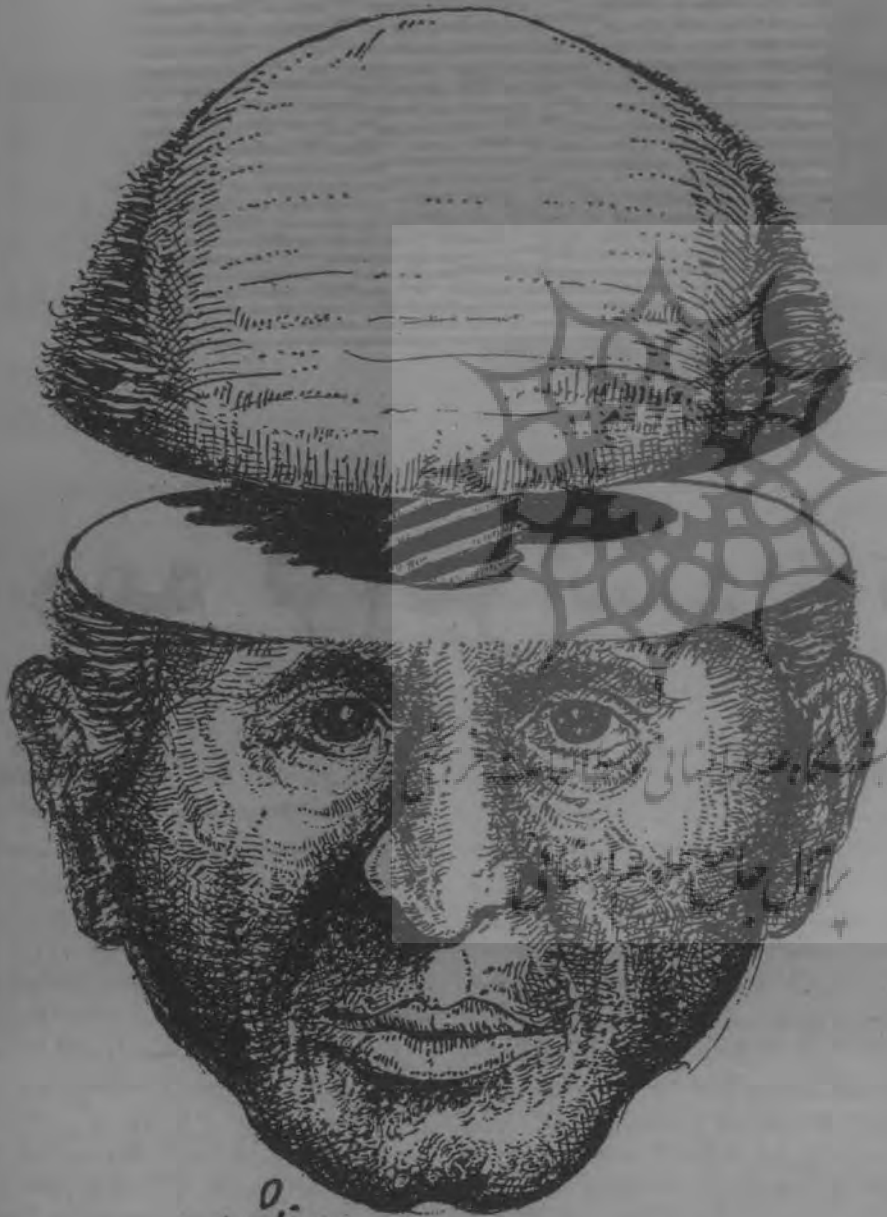
از روشهای دموکراتیک در تدریس و تربیت زیاد می توان مثال آورد ولی برای کوتاه کردن سخن فقط به مسأله محتوای کتابهای آموزشی نیز لازم است اشاره شود. از آنجا که باکمال ناسف هنوز هم، با وجود کوششهای چشمگیر و مثبت دستگاههایی چون مرکز انتشارات آموزشی وزارت آموزش و پرورش و کتابخانه های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرتیراثرترین کتابهای نوجوانان و کودکان کتابهایی درسی هستند، محتوی و روش این کتابها در جایگزین کردن مفهوم دموکراسی نقشی بسیار اساسی بر عهده دارند.

این وظیفه راهم در ارائه متون مناسب و هم در روش استفاده از آنها باید اجرا کرد. متونی که اطفال و نوجوانان را به تفکر و تعمق و بحث و نظرخواهی وادار می سازد از مطالبی که فقط جنبه خبری دارند به مراتب بهتر می توانند از عهده انجام این وظیفه برآیند. باید توجه داشت که فقط درس تعلیمات اجتماعی و علوم مدنی نیست که رفتارهای صحیح اجتماعی و قبول مسئولیتهای مربوطه را به نسل جوان می آموزد. اگر قبول داشته باشیم که روش آموزش غیر مستقیم به مراتب مؤثرتر از آموزش دستوری و مستقیم است آنوقت گراف نگفته ایم اگر مدعی شویم که کتاب ادبیات یا فارسی یا حتی کتابهای علوم در تربیت و روحیه سالم دموکراتیک در جوانان نقشی بسیار سازنده دارند. در جایی که متن به اجبار اخباری است مؤلف کتاب درسی باید از حواشی متن مانند پرسشها و تمرینها به عنوان وسیله کار استفاده کند. گفتنی در این باب بسیار است چه از نقشی سازنده نویسنده به معنی اعم کلمه در يك جامعه فعال و دموکراتیک نمی توان غافل ماند. نویسندگان ما در این راه باید آگاهانه قدم بردارند. اما درباره اینکه چگونه باید قدم بردارند فرصتی دیگر لازم است.

اگر از طرح کلیه مسائلی که در این مختصر عنوان گردید به این نتیجه برسیم که تربیت اذهان بیدار و بویا که بی تفاوت داده ها و پدیده ها را نمی پذیرند بلکه خود شائق به ایفای نقشی خلاق در ایجاد آنها هستند مهمترین و اساسی ترین قدم در دموکراسیون تعلیم و تربیت يك کشور است. آنوقت باید به کار عظیمی که دستگاههای آموزش

و پرورش ما از اولین تا آخرین مراحل بر عهده دارند اذعان داشته باشیم و قبول کنیم که با راه دادن همه کودکان به مدرسه دموکراسیون و آموزش و پرورش به پایان نرسیده است بلکه تازه آغاز شده است. راهی دراز و پرخطر که با ایمان و پیگیری بدون شك به سر منزل مقصود خواهد رسید.

مهر ۱۳۵۳



اصالتی است